

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر نسرين معروفی

۱۸ اگست ۲۰۱۹

"آزادی جوهر حیات است" - (هگل)

به مناسبت یازدهمین سالروز تأسیس پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"

برای ما افغانها یکی از مهمترین روزهای سال روز ۱۸ اگست است، سالروز قیام و مبارزات آزادیخواهانۀ خلق بی سلاح علیه نیروهای اشغالگر بریتانیا مجهز با سلاح و تجهیزات نظامی. بریتانیا دوبار به کشور ما تجاوز کرد و بسیار آرزو داشت تا این سرزمین را تحت استعمار خود داشته باشد مگر در کنار حکمرانان و ملاهای آلوده به ذلت و روباه صفت که به پای استعمار سجده می کردند، بودند انسانهای با وقار و عزت و شرافتمندی که با ایثار خون خود نهال جنبش آزادی را در سرزمین ما آبیاری و از آزادی کشور حراست نمودند.

پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" درست یازده سال قبل یعنی به تاریخ ۱۸ اگست ۲۰۰۸ به فعالیتهای مبارزاتی خود آغاز نمود و در این مدت گامهای مؤثر و ارزشمندی را در راه دست یابی به آرمان آزادی و برابری و تحقق حاکمیت ملی و مردمی گذاشته و در مسیر سرنوشتی نظام بی رحم و استثمارگر و ضد انسانی حاکم با قلم و بیان مبارزه نموده به یقین که در آینده هم از آن عدول نخواهد کرد.

به طور بسیار فشرده باید گفت: در زمانهای گذشته انسانها درک و تصور کاملاً متفاوت از آزادی داشتند. به طور مثال در دوران باستان حدود ۸۰۰ پیش از مسیح تا ۵۰۰ بعد از مسیح این طور بود که فقط تبعه شهری و حکمرانان آزاد و فقط آنها مقتضی بر حقوق بودند. اکثریت خلقها یا هیچ حقی نداشتند و یا این که از کمترین حقوق برخوردار بودند. اکثریت مردم به حیث برده زندگانی می کردند و به همین ترتیب بعداً در قرون وسطی پله بندی های مختلف و متمایز از آزادی وجود داشت. در آن زمان اصلاً قانونی وجود نداشت چه رسد به این که آزادی در قانون درج شده باشد. قاعدتاً آزادی وابسته و تابع به این بود که انسانها در کدام مقام و جایگاه زندگانی می کردند و تا چه حد قدرت و نفوذ داشتند و نقش مال و ثروت در تعیین قدرت و نفوذ آنها رول عمده داشت، لذا نظر به شرایط و توانایی مالی که داشتند، می توانستند نسبت به انسانهای فقیر و بی نوا از آزادی برخوردار باشند و لذت ببرند. به مرور زمان شرایط زندگانی در اسارت و بردگی باعث شد تا اکثریت مردم در طول تاریخ جهت به دست آوردن آزادی و حقوق طبیعی انسانی خود علیه فرمانروایان و حکمرانان ستمگر و زورمندان تلاش و مبارزه کنند تا سرنوشت خود را خود به دست گیرند و به استبداد و خودکامگی خاتمه بدهند. لذا جوامعی که توانستند بر حاکمان خود کامه، پیروز

شوند و حکومت های استبدادی را براندازند، از آزادیهای فردی و اجتماعی تا حدی برخوردار شده و آنهم با هزاران تلاش و مبارزه و دادن قربانی و گذشتن از آسایش و مال و جان خود.

در قری که ما زندگانی می کنیم استقلال و آزادی کشور ها، آزادیهای فردی و اجتماعی در قوانین بین المللی و در قوانین داخلی هر کشور درج شده است که دولتها باید طبق قوانین بین المللی احترام به استقلال و به رسمیت شناختن تمامیت ارضی همدیگر و طبق قوانین داخلی هر کشور باید به آزادیهای فردی که شایسته انسان آزاد است، عمل نمایند.

"هگل" فیلسوف و صاحب مکتب تاریخ فلسفه غرب معتقد بود که "آزادی جوهر حیات است"، البته هرگونه فشار و اجبار در نظامی که قانون پذیرفته شده، بد شمرده نمی شود و هیچ کسی با محدودیت های قانونی مخالف نیست. مثلاً بازداشتن کسی که به خود و یا دیگران آزار می رساند، بد شمرده نمی شود. طوری که ما شاهد هستیم امروز با وجودی که آزادی های فردی و اجتماعی در اکثر جوامع تعیین شده ولی هنوز راه درازی در پیش است تا این آزادی ها که بر قوانین و اعلامیه ها نقش یافته اند در نظامها و حکومت های سیاسی گوناگون جهان به سود مردم به کار گرفته شوند. شکل های نو استعمار و وابستگی های سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی بعضی از کشور ها به قدرت های بزرگ جهان سبب محدود شدن و حتا از میان رفتن استقلال کشور و آزادی های فردی و اجتماعی شده است. هستند تعداد زیادی از هموطنان ما که آگاهانه و یا هم نا آگاهانه می گویند و می نویسند که کشور های غربی به نظر من کشور های امپریالیستی برای خلق افغانستان آزادی و دیموکراسی، پیشرفت و ترقی می آورند، در حالی که شرایط آزادی در اکثر کشورهای جهان هیچ فرقی از شرایط آزادی قرون وسطی و پله بندیهای مختلف و متمایز آنزمان ندارد. قدرت های بزرگ جهانی با داشتن ثروت، تسلیحات نظامی و زورگوئی، آزادی و استقلال کشور هائی را که کمتر با وسایل نظامی مجهز هستند، سلب می کنند و از ناتوانی اقتصادی و فرهنگی آنها که ناشی از سیاستهای استعماری در طول تاریخ بوده و هنوز هم است، سوء استفاده می نمایند.

کشور های امپریالیستی با اشغال خونین کشور ما افغانستان از سال ۲۰۰۱ تا به امروز که در آتش جنگ وحشیانه استعماری و ارتجاعی می سوزد، حاکمیت خود را برقرار نمودند، قوانین و تصامیم استعمار مدار اعتبار است و در تمام شؤون زندگانی و پیشبرد کارهای روزمره دولت عملی و تطبیق می شود. پس آیا آزادی تحت کنترل استعمارگران آزادی، پیشرفت و ترقیست و یا اسارت و بندگی؟ در این جا می توان به پرنده ای در قفس اشاره کرد که پرنده را فاقد آزادی می دانیم چون دارای مانع است اما اگر پرنده از قفس آزاد باشد اما باز هم مجال پرواز نداشته باشد مثلاً پر و بالش بریده شده باشد یا به خاطر ضعف امکان پرواز نداشته باشد، باز هم وی آزاد تلقی نمی شود. کشور های امپریالیستی با اشکال نو استعماری که کشاندن خلقها به فقر و غربت، اعتیاد، رشوت خوری، بی فرهنگی، تفرقه، جهالت، نوکر منشی و انقیادطلبی است پر و بال خلقها را شکسته اند که از یک جانب با شرایطی که حاکم است مجال تحرک آزادیخواهی را ندارند و از جانب دیگر با تزریق افول اندیشه، افکار آزادیخواهی و آزاد زیستن را از آنها ربوده اند. "مارکس" فیلسوف آزادی بود وی آزادی را گرمی می داشت و از انقیاد متنفر بود. روزی دخترش از او خواست بنویسد که منفور ترین صفت رذیلانه نزد او چیست، "مارکس" در جواب نوشت "چاکرمایی". پس صفت رذیلانه "کرزی و غنی و عبدالله" و همچنان کسان دیگری که خود را کاندید چوکی و مقام وطنفروشی نموده اند، همان چاکرمنشی، ذلت و کرنش آنها است.

فیلسوفان و دانشمندان از آزادی تعاریف زیادی را ارائه داده اند و همین امر سبب شده است که تعریف دقیقی از آزادی ارائه نشود ولی تعریفی را که فیلسوفان نام آشنای جهان "هگل" و "مارکس" نموده اند: "ما نمی توانیم آزاد

باشیم مگر این که مهار سرنوشت مان را به دست بگیریم". حدود چهار دهه است که مهار سرنوشت خلق افغانستان به شکلی از اشکال به دست کشورهای امپریالیستی، ارتجاع هار و انقیادطلبان و میهنفروشان است به خصوص در هژده سال اخیر که کشورهای امپریالیستی به رهبری امریکا زیر نام مبارزه علیه تروریسم با دسایس امپریالیستی استقلال و آزادی کشور ما را ربوده اند. آنها با دروغ و فریب، تفرقه، خشونت و خونریزی، انتحار و انفجار ترس و وحشت را به وجود آوردند و از این طریق از حدت شعله های آزادیخواهی و استقلال طلبی در وجود خلق مبارز افغان کاسته اند ولی نباید بگذاریم که شعله ها خاموش شده به خاکستر تبدیل شود. پس باید با نیروی خود بر سرنوشت کشور ما مسلط شویم تا دیگر این ننگ و عار را به دوش نکشیم.

به گفته یاسپرس: "آزادی همیشه در معرض حمله است و به همین دلیل در خطر! آنجا که جامعه ای دیگر این خطر را حس نمی کند، می توان گفت که آزادی دیگر تقریباً از دست رفته است".
هموطن بالاحساس!

استقلال و آزادی افغانستان و افغانها در طول تاریخ در خطر بوده و در آینده هم خواهد بود، به گفته "سارتر" فیلسوف و نویسنده فرانسوی «آزادی» معضل همیشگی انسان. این گفته "سارتر" در قسمت سرزمینی به نام افغانستان و مردم افغان کاملاً صدق می کند. همانطوریکه حصول استقلال کشور ما در گذشته ثمره فعالیت های مبارزاتی، جانفشانی و از خودگذری های مبارزان راه آزادی بوده در آینده هم خواهد بود.

ما نباید فریب برقراری صلح استعماری و ارتجاعی را بخوریم، صلحی که فقط به درد منافع کشور های استعمارگر و ارتجاع می خورد ولی هرگز دردهای مردم افغانستان را دوا نخواهد کرد، مگر این که خلقها با اتحاد و همبستگی قاطعانه علیه استعمار و ارتجاع دست به مبارزه پیگیر بزنند و نگذاریم که جاده های وطن بیشتر از این هر لحظه پر خونتر شود.

به گفته شاعر آزاده جناب "مختار دریا"

درد ویرانی ما درد ز هم دوری ماست دست من گیر و به پا خیز تو همزنجیرم